

۱۹۰۹/۶/۶
بسم الله الرحمن الرحيم

ده

www.ketab.ir

به قلم
فرانك پورروشنزاده

سرشناسه: پورروشن، فرانک. ۱۳۴۲
 عنوان و نام پدیدآور: ده/ به قلم فرانک پورروشن؛ ویراستاران: حدیث مددی ماهانی، مسعود پهلوان.
 مشخصات نشر: تهران: اشراقی، ۱۴۰۰.
 مشخصات ظاهری: ۱۴۰ ص: ۱۴/۵ × ۲۱/۵
 شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۵۰۵-۴۷-۲
 وضعیت فهرست نویسی: فیبا
 موضوع: داستان‌های فارسی — قرن ۱۴
 موضوع: Persian fiction — 20th century
 رده بندی کنگره: PIR۸۳۳۶
 رده بندی دیویی: ۸۵۳/۱
 شماره کتابشناسی ملی: ۷۴۳۲۵۴۴



www.ketab.ir

eshraghi

نام کتاب: ده
 نویسندگان: فرانک پورروشن زاده
 ویراستاران: حدیث مددی ماهانی - مسعود پهلوان
 لیتوگرافی: گنج شایگان
 چاپ و صحافی: گنج شایگان
 شمارگان: ۲۲۰ نسخه
 نوبت چاپ: اول - پاییز ۱۴۰۰
 قیمت: ۵۰,۰۰۰ تومان
 ناشر: انتشارات اشراقی

مراکز پخش:

خیابان انقلاب، رویروی دبیرخانه دانشگاه تهران، بازارچه کتاب، طبقه زیرین
 انتشارات اشراقی
 پخش کتاب پیش
 کتابفروشی صفا

eshraghipub
 eshraghipub.com

مدیریت واحد تولید انتشارات اشراقی ۰۹۱۲۱۰۷۳۰۰۳
 ۳۰۰۰ ۵۳۵۱

این اثر، مشمول قانون مؤلفان و مصنفان و هنرمندان مصوب ۱۳۴۸ است، هر کس تمام یا قسمتی از این اثر را بدون اجازه مؤلف (ناشر) نشر، یا پخش یا عرضه کند مورد پیگرد قانونی قرار خواهد گرفت.

انتشارات اشراقی از کاغذ بالکی با استاندارد FSC و PEFC در این کتاب استفاده کرده است.

مقدمه

اکنون به برکت وجود خدایی که همواره باقیست صفحات جدید و عالی زندگی خود را می‌سازم. صفحاتی که در سلامت و توانگری و مهربانی و ابراز وجودم است. (چهار اثر فلورانس) عشق نیرویی است که روح جهان را بهبود می‌بخشد. عاشق همواره در پی یافتن نشانه‌هایی از معشوق است. او در جهان به دنبال گمشده‌اش می‌گردد. عاشق تفاوت شب و روز را نمی‌فهمد جای شب و روزش عوض می‌شود او همه زندگی‌اش را در رضایت معشوق می‌بیند چه عشق زمینی باشد، یا نباشد برایش فرقی ندارد فقط با معشوقش حالش خوش است. عشق پدیده‌ای آسمانی است که دنیای چهاربعدی یا شگفتی‌ها را به روی انسان می‌گشاید و در عشق واقعی است که انسان فارغ از خود ترسی به دل راه نمی‌دهد. عشق همان تجلی خداوند و معنویتی عمیق است.

گاهی دلت بهانه‌هایی می‌گیرد که خودت انگشت به دهان می‌مانی، گاهی دلت نمی‌خواهد دیروز را به خاطر آوری و انگیزه‌ای برای فردا هم نداری... گاهی چقدر دلت برای یک خیال راحت تنگ می‌شود...

همیشه برف هفت‌سالگی‌ام را به خاطر صدای مادرم دوست داشتم که می‌گفت:

"پاشو ببین عجب برفی اومده!"